

بازتاب اشعار عمادی شهریاری در برخی از اشعار شاعران فارسی  
انعکاس أشعار عمادی الشهریاری فی بعض أشعار الشعراء الفرس

حسین علی عباس  
مربی بخش زبان و ادبیات فارسی  
دانشگاه بغداد / دانشکده زبان های  
خارج

[hussenalfely@yahoo.com](mailto:hussenalfely@yahoo.com)

۰۷۹۰۱۳۹۵۱۶۳

خیریه قاسم دماک  
دانشیار بخش زبان و ادبیات  
فارسی دانشگاه بغداد / دانشکده  
زبان های خارج

[hussenalfely@yahoo.com](mailto:hussenalfely@yahoo.com)

۰۷۷۲۳۵۲۰۲۸۷

### چکیده

عمادی شهریاری یا غزنوی از جمله شاعرانی است که از اشعار وی می توان فهمید که در شعر پایگاهی برجسته داشته است و شاعری توانا بوده است. اما متأسفانه سروده های وی همانند بسیاری از شعرای بزرگ ادب فارسی متأسفانه به طور کامل به دست ما نرسیده است. به یقین می توان ادعان کرد که امروزه بسیاری از متون ادبی فارسی علی رغم اینکه کارهای فراوانی در راه ارائه متنی مصحح از آنها انجام شده است، اما باز هم باید از نو به یاری نسخه های نویافته آن متون و نیز بهره گیری از مآخذ، منابع، تذکره ها و غیره.. به بررسی آنها پرداخت. از جمله آن متون دیوان اشعار عماد شهریاری یا غزنوی است. روش تحقیق این مقاله کتابخانه ای، کارگاهی و تحلیلی بر اساس کتب، مآخذ و منابع و تذکره ها و دیگر منابع فارسی به انجام رسیده است، تا به تعدادی جدید از سروده های عماد شهریاری دست یافته شود.

نوع پژوهش در حوزه پژوهش های بررسی می گنجد، چنانچه عیان است که پژوهندگان کوشیده اند پس از مطالعه و گردآوری دیوان از شاعر، به سروده های نویافته دیگری از این شاعر دست یابد.

هدف از این پژوهش بررسی سبک شاعر است، و چنانچه در بالا ذکر شد که بسیاری از اشعار او پراکنده شده است، این پژوهش با هدف بررسی ابیات پراکنده، سعی بر آن دارد که آن ابیات را به دیوان شهریاری نسبت دهد.

کلیدواژه ها: ادبیات فارسی، شاعران ایرانی، شهریاری، بازتاب اشعار، تضمین

### مقدمه

به یقین می توان ادعا کرد که امروزه بسیاری از متون ادبی فارسی علی رغم اینکه کارهای فراوانی در راه ارائه متنی مصحح از آنها شده است، باز هم باید از نو به یاری نسخه های نویافته آن متون، و نیز بهره گیری از مآخذ و منبع ها و تذکره ها و دیگر منابع، به

جستجوی آنها پرداخت، از جمله آن متون، دیوان اشعار عمادی شهریار یا غزنوی است، که متأسفانه با توجه به دلایل و قراینی استوار، چنان می نماید که تمام اشعار آن شاعر و نیز نسخه ای کهن از سروده های وی برجای نمانده باشد و از دست محققان و پژوهشگران گم شده است یا میان اشعار و دیوانهای شعری دیگر پراکنده شده، اما به یاری منابع و دیگر متون واسطه ای و برخی تذکره ها به یافته های گوناگونی در زمینه بحث در اشعار وی و ابیات نویافته میرسیم که خود حاکی از لزوم تصحیح مجددی از دیوان وی است. در این مقاله با توجه به دلایل فراوان نشان داده ایم که می بایست اشعار این شاعر بزرگ را با کمک منابع و کتب متعدد بررسی کنیم، پیدا شدن برخی نسخه های خطی در کتابخانه های جای جای جهان، نیاز به گردآوری و بررسی در دیوان بسیاری از شاعران است، و این عنوان امری بس ضروریست. عمادی شهریار یا غزنوی از جمله شاعرانی است که از اشعار وی میتوان دانست که در شعر پایگاهی برجسته داشته است و شاعری توانا بوده است. علاوه بر اینکه بسیاری از ابیات این شاعر، در دیوانی که هم اکنون از وی در دسترس است گم شده و نیز ابیات و اشعاری وجود دارد که هم به این شاعر و هم به شاعران دیگر منسوب شده که متأسفانه به آنها هم هیچ اشاره ای نشده است. به همین دلایل، پژوهشی مجدد در دیوان عمادی شهریار، به عنوان بخشی از گنجینه ادب فارسی، امری مهم به نظر میرسد. آنچه که در این مقاله خواهد آمد تعدادی از سروده های عمادی است که با تحقیق و تتبع در بسیاری از دیگر منابع به دست آورده ایم و البته با جستجو در منابع دیگر ممکن است دوباره به سروده های نویافته دیگری از وی دست یافت.

### زندگی عمادی شهریار

عمادی شهریار یا غزنوی طبق نظر اغلب محققان از شاعران معروف قرن ششم ه.ق است. اسم و لقب او: «امیر الحکیم ملک الشعراء ابو محمد العمادی الغزنوی» (سفینه بولونیا، نشر دانش، بی تا: ص ۱۷-۲۴ / Safeena Polonia, Danesh Publishers, p. 17-24)، در سفینه بولونیا آمده است، اما بنا به گفته های ارباب تذکره ها شهرت وی (شهریاری) از جایگاه تولد او بوده است. چون در شهریار ری به دنیا آمده بود و از طرفی (چون اوایل عمر را در خراسان به خصوص غزنین گذرانده به عمادی غزنوی نیز مشهور شده است)، درباره لقب او نیز باید یادآوری کنیم که: (لقب او از عمادالدوله فرامرز شاه مازندران منبئی است) (همان، ۱۸ / Ibid, p. 18).

در لغتنامه دهخدا چنین آمده است: (عمادی شهریار. [ع ی ش] [اخ] (امیر...)) از شعری اواخر قرن ششم ه. ق. است. در مورد نام و مولد این شاعر اختلاف بسیار است و گاه او را «عمادالدین غزنوی» و گاهی «عمادی غزنوی» گفته اند. و «عمادی» ظاهراً

تخلصی است که شاعر از لقب «عمادالدوله فرامرز» پادشاه مازندران گرفته است. آغاز شاعری عمادی و شهرت وی از دستگاه عمادالدوله فرامرزین شهریاراز امیران خاندان باوندی است که در نیمه اول قرن ششم بر مازندران حکومت داشت. پس از درگذشت عمادالدوله فرامرز، شاعر از مازندران به عراق رفت و به خدمت سلطان طغرل بن محمد (۵۲۶ - ۵۲۹ هـ. ق.) رسید و او را مدح گفت. و در همان حال مدح اتابک جهان پهلوان نیز که تا سال ۵۸۱ هـ. ق. می زیسته است در اشعار او دیده میشود. و تقی الدین کاشی، مدح طغرل بن ارسلان را (۵۷۱ - ۵۹۰ هـ. ق.) نیز به وی نسبت می دهد. درگذشت عمادی را به اختلاف در سال ۵۷۳ هـ. ق. و ۵۸۲ هـ. ق. ضبط کرده اند. (از تاریخ ادبیات در ایران صفا، ج ۲، ص ۷۴۳ / *The history of literature in Iran, vol. 2: 743*). و رجوع به مآخذ ذیل شود: لباب الالباب عوفی ج ۲ ص ۲۵۷. سخن و سخنوران ج ۲ حاشیه ص ۱۶۷. آتشکده آذرچ هند ص ۲۱۴. مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۳۵۰. راحة الصدور راوندی چ لیدن ص ۵۷ و ۲۰۹ و ۲۱۰. الذریعه ج ۹ ص ۷۶۸. بیست مقاله قزوینی ج ۲ ص ۳۴۳ و ۳۵۴. شاهد صادق. خلاصه الأشعار (دهخدا، بی تا: ۹۷۲/۹۷۲, p. 972). (Dehkhoda, Undated, p. 972/۹۷۲).

بی شك بهترین زندگی نامه تحقیقی و تحلیلی که درباره این شاعر نگاشته شده است، همان مطالب استاد روانشاد فروزانفر در سخن و سخنوران است، درباره تعداد سروده های وی صاحب مجمع الفصحاء نوشته: است (گویند پنج هزار بیت دیوان دارد) (هدایت، ۱۳۸۲ هـ: ۳۶/۳۶, p. 36/36, Hedaiat, 1382: p. 36/36)، و تقی کاشی گفته است: (دیوان اشعار وی قریب به چهار هزار بیت عاشقانه به نظر راقم رسیده....) (کاشی، ۱۳۸۱ هـ: ۲۷ / *Kashi, 1381: p. 27*), در صورت صحت قول آن دو نویسنده و البته دلایل و قراین متعددی نیز گفته های آن دو را تأیید می کند باید گفت که متأسفانه پاره ای از اشعار این شاعر باید از میان رفته باشد، چون دیوان فعلی وی از این مقدار کمتر است.

#### سبک اشعار عمادی شهریاری

از ویژگی های اشعار عمادی استوار لفظ، پرهیز از به کار بردن واژگان غریب اعم از فارسی و عربی، ایجاد در بیان، در سروده های وی اشارات نجومی و طبی و غیر از آن بسیار کم است. نفیسی پیرامون اشعار او چنین گفته است: وی از بهترین و معروفترین شاعران قرن ششم ایران بوده و در اشعار او نوعی از آمیزش معانی دقیق با سخنان دلنشین می توان یافت. وی کنایه و استعارات به کار برده بود، لذا در دوران خود به آن مشهور بوده است (نفیسی، ۱۳۴۴ هـ: ۸۴/۸۴, p. 84/84, Nafici, 1344: p. 84/84). گفتند که روش او در شعر همان روش شاعران دوران خود بوده است، مضامین دقیق خود را با عبارات و

ترکیبات سلیس و بدیع بکار برده است و بالاخره می توان گفت که در اغلب اشعار خود روانی و سادگی غلبه دارد (صفا، ۱۳۷۸هـ: ص ۷۴۴ - ۷۴۵ / Safa, 1378, p.744-745).

همچنان درباره شیوه سخن سُرایی وی دقیقاً همان گفته های استاد روانشاد، علامه فروزانفر را می بایست یادآور شد: (عمادی سخن سُرایی ملیح گفتار و نرم زیان است که دقت فکر با سهولت سخن گرد آورده، افکار وی نه چندان باریک و دقیق است که فکرت بدان پرده راه نیابد و نه چندان ساده و مبتذل که خواننده را به سبب سبق علم بهره نهد و به عجب نیارد، زیرا او در معانی محدود تصرف می کند یا از آنها نتایجی به دست می آورد که صورت آن در ذهن وجود بالفعل ندارد، عمادی با همۀ بلندطبعی و برتری و وسعت فکر، بی آنکه حد خود را از دست دهد، همواره خویش را در فضای سفلی و محدود یعنی ذهن عامه تصور کرده و آن افکار دقیق را به طرز و زبانی که درخور آنهاست بیان کرده، از این رو عموم خوانندگان از فکر وی بی بهره نمانده و سخن شناسان از دقت تصرفاتش شگفت مانده اند، الفاظ شعر وی نه چندان بازاری و متداول است که ائمه ادب را شنیدن آن نفرت فزاید و نه چندان ادبی و نادراستعمال که دست اندیشه جز به سبب سازی کتب لغت از دامن تصور آن کوتاه آید، و نیز این طریقه بر سلامت طبع وی دلیل تواند بود) (فروزانفر، ۱۳۵۸هـ: ص ۵۱۸ - ۵۱۹ / Foruzanfar, 1358: p.518-519).

#### اشعار پراکنده‌ی وی در اشعار شاعران ایرانی دیگر:

اشعار عمادی به صورت پراکنده در تذکره ها یافت می شود، لکن آن ابیات، تمام سروده های عمادی نیست، و این امر اهل ادب را مولع و چشم انتظار چاپ دیوان گردانیده بود، خوشبختانه به همت جناب آقای ذبیح الله حبیبی نژاد، دیوان شاعر مذکور به کمک چند نسخه خطی و تعدادی جُنگ و دیگر منابع، تصحیح و چاپ گردید و این سبب شد که بتوان بهتر و دقیق تر و با تحلیلی جامع تر درباره عمادی، شعر و سبک او سخن گفت. پر واضح است که آقای ذبیح الله حبیبی نژاد در به سامان کردن این اثر، زحمات بسیاری را متحمل شده است که جای تشکر و قدردانی فراوان دارد. آوردن نقل قول های اکثر متقدمان و محققان درباره شاعر و زندگانی او، استفاده و بهره گیری از برخی جُنگ ها و منابع در کنار چند نسخه خطی دیوان، فراهم کردن تعلیقاتی در پایان کتاب از محاسن آشکار این چاپ است، اما با تمام این اوصاف، این دیوان از عیوب و کاستی ها تهی نیست، به گونه ای که به گمان نگارنده این سطور، می باید و می شاید که دیوان عمادی را از نو تصحیح کرد، آنچه که در چهار بخش ذیل خواهد آمد، بخشی از یافته های نگارنده است که تقدیم می شود.

از مهمترین شاعرانی که اشعار عمادی شهریارى ستوده اند، شاعرانی امثال ادیب صابر، سید حسن غزنوی و دیگران است که ابیات از اشعار او ضمیمه‌ی اشعار شان کرده اند، همچنین کسانی هستند که نثر خویش با آوردن سروده های از او مزیّن کرده‌اند. برای نمونه ای از آنها:

کمال الدین اصفهانی چنین بیتی تضمین کرده است:

لا یق به حسب حال تو بی‌تی شنیده ام  
از گفته عمادی بس نغز و دلگشای  
تشریف طغریست و گر نه بگفتمی  
مصحف ز بند زر نشود مرتبت فزای

(اصفهانی، ۱۳۴۸ هـ.:. ۴۵ /

(Esfahani, 1348: p.45

همچنین انوری با اهتمام به یک بیت از اشعار عمادی، گفته بود:

هان و هان تا تو را عمادی وار  
از سر ابله‌ی و نادانی  
در نیفتد حدیث مصحف و بند کان  
مثل نیست نیک تا دانی

(انوری، ۱۳۷۶ هـ.:. ۶۵ / Anvari,

(1376: p.65

قوامی مطرزی گنجوی (قرن ششم) در قصیده بدیعیه‌ی خود مصراعی از عمادی تضمین کرده است:

وصل خواهم ندانم آنکه به کس  
رایگان رخ نمی نماید یار  
(قوامی مطرزی گنجوی، بهار ۱۳۸۲:

Ghavami Motarezi /۷۴

(Ganjavi, Spring 1382: p. 74

مصرع دو را قوامی از این بیت گرفته است:

رایگان رخ نمی نماید یار  
به سخن راست نمی گردد کار

این بیت در مخطوطه دیوان شاعر وجود دارد:

بی تو یک روز بود نتوانم  
بی تو یک شب غنود نتوانم  
(مخطوطه دیوان عمادی شهریارى بی تا:

Manuscripts of Imadi ۱۲۱

(Shahrayari, Undated, p. 121/

این غزل در چند نسخه دیوان عمادی وجود دارد، می افزاییم که این غزل به همراه این بیت در دیوان سنائی نیز موجود است:

کشت دیگر بتان ندارد بر / کشت بی بی بر درود نتوانم

(سنایی، ۱۳۸۵ هـ ق: ۹۴۰، / Sanaee,

(1966: p. 940

همچنان در همان مخطوطه این بیت است:

به خدائی که از میان دو حرف / هفت چرخ و چهار طبع انگیخت

(عمادی شهریار، بی تا: ۱۳۷

Imadi Shahrari, Undated,

(p. 137/

انوری این بیت را در اشعارش تضمین کرد:

از برم دل به خدمت تو رسید / وز تنم جان ز فرقت تو گریخت

(انوری، ۱۳۷۶ هـ: ۵۲۵، / Anvari,

(1376: p. 525

همچنان در مخطوطه دیوان شاعر این قطعه آمده:

ای دوست چنانی که تو را یار توان / غم های تو را با تو خریدار توان بود

با یاد تو اندر دهن مار توان بود / با درد تو تن در ستم چرخ توان داد

(عمادی شهریار، بی تا: ۱۴۰

Imadi Shahrari, Undated,

(p. 140/

نخست اینکه این سروده غزل است نه قطعه که مصحح آن را در بخش قطعات آورده

است، ضمناً سبب اینکه در دیوان عمادی جزء قطعات آمده این است که مابقی ابیات آن

در نسخ دیوان شاعر نبوده است، شگفت اینکه بیت اول مقفا است، و گویا مصحح متوجه

این نکته نبوده ورنه آن را جزو قطعات نمی آورد، این دو بیت، دو بیت اول غزلی از

انوری است، سه بیت بعدی آن در دیوان انوری چنین آمده است:

بر بوی گل وصل تو سالی نه که / از دست گل وصل تو پُر خار توان بود

عمری / بر بستر تیمار تو بیمار توان بود

در آرزوی شکر و بادام تو صد  
 با خصم تو در کشتن خود یار توان بود  
 سبجان خالقی که بیاراست از دو  
 (انوری، ۱۳۷۶: ۸۴۳ / Anvari,  
 آنجا که مراد تو بجان کرد اشارت  
 1376: p. 843)

همچنان در مخطوطه دیوان شاعر پنج بیتی با این مطلع آمده:  
 سبجان خالقی که بیاراست از دو  
 این هفت قبه را که به شش روز برکشید  
 (عمادی شهریار، بی تا: ۱۴۱ /  
 Imadi Shahrari, Undated:  
 (p. 141/

دو بیت آخر این قطعه به این شکل، جزء قطعات سنائی آمده است:  
 چون شگرم در آب دو چشم و دلم فلک در جام کینه خوش تر از آب و شکر کشید  
 گردون، زیان عقل مرا قفل برفکند و ایام، چشم بخت مرا میل در کشید  
 (سنایی، ۱۳۸۵ هـ ق: ۱۰۷۲ / Sanaee,  
 1966: p. 1072)

این قطعه مذکور در بیاض تاج الدین احمد وزیر به نام عمادی آمده است، قطعه سه بیتی  
 با این مطلع:  
 سبجان خالقی که بیاراست از دو  
 این هفت قبه را که به شش روز برکشید  
 (عمادی شهریار، بی تا: ۱۴۱ / Imadi  
 Shahrayari, Undated: p.  
 (141/

شب تاریک و من ز اندیشه تو  
 چو نطف اندود مرغی پیش آذر  
 (تاج الدین، ۱۳۸۱ هـ: ۱۴۱ /  
 (Tajeddin, 1381: p. 141

این قطعه در نُسَخ خطی دیوان عمادی موجود است. اما در ضمن قصیده ای با این مطلع  
 از عمق بخاری ثبت شده است:

مرا بر کرد دوش از خوابگه سر  
(بخاری، ۱۳۳۹: ۱۵۷ -  
Bukhari, 1339: p. 157-۱۵۸  
(158/

نسیم زلف آن سیمین صنوبر

همچنان غزلی هفت بیتی با این مطلع:

هیچ می ای خالی از خمار ندیدم  
(عمادی شهریار، بی تا: ۱۱۹ -  
Imadi Shahrari, /۱۲۰  
(Undated, p. 119-120

هیچ وفائی ز روزگار ندیدم

اما این غزل به همراه نه بیت دیگر در دیوان مجیر بیلقانی نیز دیده می شود (بیلقانی،  
۱۳۵۸ هـ: ۲۵۷-۲۵۸/257-258). (Bilghani, 1358, p. 257-258/۲۵۸-۲۵۷).

همچنان در مخطوطه دیوان شاعر این رباعی آمده است:

تعجیل مکن به صبح زنه‌ار ای شب  
يك شب دل عاشقان نگه دار ای شب  
(عمادی شهریار، بی تا: ۱۱۹ -  
Imadi Shahrari, /۱۲۰  
(Undated, p. 119-120

امشب منم و جام می و یار ای شب  
صد شب به تو بوده ام به تیمار ای  
شب

این رباعی در نزهة المجالس به ادیب صابر نسبت داده شده است، لازم به تذکر است که همان گونه که یکی از محققان اشاره کرده است (رباعی لیز و لغزان ترین گونه شعری به لحاظ صحّت انتساب است) (شمیسا، ۱۳۸۷ هـ: ۵۵ / Shamsa, 1387:55)، و در مورد رباعیات عمادی نیز این نکته صادق است و همین معدود رباعی منتسب به او نیز در منابع همان گونه که خواهیم دید به کسان دیگری منسوب گشته است.

همچنان در مخطوطه این شعری آمده است:

هر عیب که در ما بود او صد بیند  
هر نیک و بدی که بیند از خود بیند  
(عمادی شهریار، بی تا:  
Imadi Shahrari, /۱۵۲

ما را چه ازین کز همه کس بد بیند  
ما آینه ایم هرکه بیند رخ ما



**(Undated, p. 152)**

این رباعی با اندکی تغییر به این صورت به ابوسعید ابوالخیر نیز منسوب است:  
 دشمن چو به ما درنگرد بد بیند  
 عیبی که بر ماست یکی، صد بیند  
 ما آینه ایم هرکه در ما نگرد  
 هر نیک و بدی که بیند از خود بیند  
 (نفیسی، ۱۳۶۹ هـ: ۳۶ / Nafici,  
 (1344: p. 36)

همچنان در مخطوطه دیوان شاعر این رباعی آمده است:  
 دردی که مرا زان رخ نیکوست ببین  
 وین خسته دلم که بستۀ اوست ببین  
 ای دشمن اگر به کام خویشم خواهی  
 برخیز و بیا و کرده دوست ببین  
 (عمادی شهریاری، بیتا: ۱۵۵ / Imadi  
 (Shahrayari, Undated: p. 155)

این رباعی که در مجمع الفصحا و تذکره آتشکده (به نقل از استاد ریاحی در حواشی نزه  
 المجالس) به عمادی منسوب گشته.  
 همچنان در مخطوطه دیوان شاعر این رباعی آمده است:  
 هر روز بیویی ای بت سلسله موی  
 جای دگری به دوستی در تک و پوی  
 ماهی تو و ماه را چنین باشد خوی  
 هر روز به منزلی دگر داری روی  
 (همان منبع / Ibid)

این رباعی جزء رباعیات انوری آمده است (انوری، ۱۳۷۶ هـ: ۱۰۴۱ / Anvari,  
 1376: p. 1041)، در مصرع اول به جای (بیوی)، (به نوی) آمده است که همین  
 صورت درست می نماید، نه (بیویی).

این قطعه همچنان در مخطوطه بصورت پراکنده آمده است:  
 ای چو من صد هزار بیچاره  
 در بیابان عشق آواره...  
 (عمادی شهریاری، بی تا:  
 Imadi Shahrayari, / ۱۶۴  
 (Undated, p. 164)

این قطعه شعر را که در دیوان عمادی چهار بیت است، عوفی در جلد دوم لباب الالباب به همراه دو بیت دیگر به عنوان غزلی از (الإمام الأجلّ فخرالدین مسعودی) که (از معارف و بزرگان مرو) ده نسبت داده است (عوفی، ۱۳۸۹: ۵۲۵ / Auffi, 1389: p.525).

این اشعار هم بصورت پراکنده در مخطوطه دیوان شاعر آمده است:

ای وصال تو مایه شادی      وی فراق تو اصل بیدادی  
من ندانم که تا بیامده ای      عافیت را کجا فرستادی

(عمادی شهریاری، بی تا:

Imadi Shahrari, /۱۶۵

(Undated, p. 165

این دو بیت را عوفی به همراه چهار بیت دیگر به عنوان غزلی از همان (الإمام الأجلّ فخرالدین مسعودی) که (از معارف و بزرگان مرو) ده نسبت داده است (عوفی، ۱۳۸۹: ۵۲۵ / Auffi, 1389: p.525).

همچنان قصیده ای در مخطوطه دیوان شاعر با مطلع:

در غم یار، یار بایستی      یا غم را کنار بایستی  
(عمادی شهریاری، بی تا: ۱۰۳ -

Imadi Shahrari, ۱۰۴

(Undated, p.103-104/

در بسیاری از منابع کهن قصیده ای مشهور از عمادی یافته می شود که برخی از ابیات آن را در راحة الصدور راوندی آمده است ولی در دیوان عمادی شهریاری وجود ندارد، از جمله آن اشعار این دو بیت است:

از پی آنکه زیر خاکش کرد      چرخ را سنگسار بایستی  
مشتري را براي كینه او      با زحل كارزار بایستی

(راوندی، ۱۳۶۴هـ ش:

(Rawandi, 1364: p. 437/۴۳۷

قصیده در مخطوطه که مطلعش:

در غم یار، یار بایستی      یا غم را کنار بایستی  
(عمادی شهریاری، بی تا: ۱۰۳ -

Imadi Shahrari, / ۱۰۴

(Undated, p. 103-104

نُه بیت از این قصیده در راحة الصدور راوندی آمده است؛ اما پنج بیت از آن نُه بیت در دیوان نیست و شایسته است که به دیوان افزوده شود، متأسفانه این مورد از ضعف های کار مصحح محسوب می شود، ایشان گاهی برخی ابیات را به کمک لباب الالباب و دگر تذکره ها بر ابیات قصائد دیوان افزوده اند، اما از ابیاتی که در راحة الصدور از عمادی نقل شده و آن ابیات در قصائد و غزلیات دیوان نیامده است، بهره نگرفته اند، در حالی که از قدمت و اعتبار راحة الصدور مطلع بوده اند.

اینک آن پنج بیت:

از پی آنکه زیر خاکش کرد	چرخ را سنگسار بایستی
مشتری را برای کینه او	با زحل کارزار بایستی
پس از او بزم ساختن افسوس	جام را مایه نار بایستی
پس از او رزم کرده اند آوخ	تیغ را شرم و عار بایستی
از پس هرکه داشت سیرت او	چون منی یادگار بایستی

(راوندی، ۱۳۶۴هـ. ش: )

(Rawandi, 1364: p. 372/۳۷۲)

همچنین دو بیت اول این قصیده که در راحة الصدور موجود است، در تذکره ارزشمند خلاصة الأشعار تقی کاشی صفحه ۳۶۲ به همراه ابیاتی دیگر، از جمله این دو بیت آمده است:

روی مریخ همچو ایامم	زین فزع همچو قار بایستی
از پی تشنگان ماتم او	آفتاب آبدار بایستی

(کاشی، ۱۳۸۱ هـ: ۳۶۲ / Kashi,

(1381: p. 362)

و در مخطوطه دیوان شاعر این قصیده آمده است

اندرین بوستان کی عیش من است	گل طمع نیست، خار بایستی
به ضرورت بلا کشم چه عجب	در بلا اختیار بایستی

(عمادی شهریار، بی تا: ۶۸۶)

Imadi Shahrari, Undated, /

(p. 686)

همچنین بیت اول (اندرین بوستان..)) در المعجم فی معاییر أشعار العجم نیز به نام عمادی آمده است (رازی، ۱۳۸۷ هـ: ۳۷۵/375: p. 1387: Razi).

یک قصیده دیگر هم در مخطوطه دیوان شاعر با این مطلع آمده است:

ای زلف و رخت سپهر و اختر  
وی روی و لبیت بهشت و کوثر

(عمادی شهریار، بی تا: ۸۶ Imadi)

Shahrayari, Undated, p.

(686/)

این قصیده در راحة الصدور آمده است، در آنجا ده بیت دیگر به قرار زیر در بین قصیده آمده که با توجه به قدمت راحة الصدور، لازم است به آن ابیات توجه بیشتری کرد و آنها را به قصیده مذکور در دیوان افزود:

گویان ز پی تو ما دل و دل  
عشقت بره دو مادر آمد  
بر یک ذره ز خاک پایت  
جزوست زمانه، ملک او گل  
روزی که جهان بادپیشه  
بر هم کوبند گرد گیران  
از دود چنان شود که گویی  
بگدازد گوسفند گردون  
کاری کردی که هیچ دانا  
کاری دگرست از پی آن

جویان ز تو نزد ما زر و زر  
هرگز نشود نزار و لاغر  
شد دارالملک جان مقرر  
ماده ست ستاره، قهر او نر  
در سر گیرد ز خاک چادر  
مانند جبال روز محشر  
شیر علمست شیر مجمر  
از شعله گرز گاو پیکر  
در دولت تو نداشت باور  
إن شاء الله شود میسر

(راوندی، ۱۳۶۴ هـ ش: ص ۲۱۲-)

Rawandi, 1364: p. 212- / 214

(214)

همچنان یک قصیده در مخطوطه دیوان شاعر با این مطلع آمده است:

هرکه را عشقت اختیار کند  
بی قراری برو قرار کند

(عمادی شهریار، بی تا: ۱۶۷ Imadi /)

(Shahrayari, Undated, p. 167)

پنج بیت از این قصیده در سندبادنامه سمرقندی آمده است؛ اما این بیت که در سندبادنامه (چاپ آتش) آمده، در دیوان نیست:

گر بخواهد نگار چهره تو  
کار صد شهر چون نگار کند

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۶۲ هـ: ۱۸۳/)

Zahiri Samarghandi, 1362:

(p.167)

همچنان یک قصیده در مخطوطه دیوان شاعر با این مطلع آمده است:

گرد رخت صف زدست لشکر دیو و      ملك سلیمان تراست، گم مکن انگشتی

\_\_\_\_\_ری (عمادی شهریار، بیتا: ۱۰۸ Imadi

Shahrayari, Undated, p.108

(/

پانزده بیت از این قصیده در المعجم آمده است، اما این بیت که در آنجا ضبط شده، در دیوان نیست:

پرده خوبی بساز امشب و بیرون      زهره زهره بسوز زان رخ چون مشتری

\_\_\_\_\_رام (رازی، ۱۳۸۷ هـ: ۴۶۶ / Razi,

(1387: p. 466)

اشعار پراکنده عمادی شهریار در قصیده های شعرای دیگر:

متأسفانه اشعار فراوانی از عمادی که در لابه لای کتاب های متقدمان و نیز برخی تذکره ها و جنگ ها هست، در دیوان فعلی وی وارد نشده است و بعد از کوشش زیادی در جنگ ها و مجموعه ها می توان به اشعار دیگری از وی دست یافت، آنچه در ادامه می آید، پاره ای از آن ابیاتی است که با تتبع در منابع مختلف به دست آورده ایم:

یک رباعی به نام عمادی ذکر کردن و گفتن که آن را به عنوان کهن ترین رباعی زبان فارسی شناخته شده است، این رباعی به نام عمادی آمده است:

زلفت ما را هلاک جان می خواهد      چشمت به موافقت همان می خواهد

عشق از تو کمان گری بیاموخت مرا      کز قدّ چو تیر من کمان می خواهد

(عبدالکریم بن ابوبکر، ۱۳۸۹ هـ:

Abdul Karim Bin Abu /۳۵

(Bakr, 1389: p.35)

در سفینه بولونیا (کتابت شده در قرن هشتم) قصیده ای از عمادی با این مطلع آمده است:

در عالمی که عشق تو را کار می      اندیشه را معامله بسیار می رود

\_\_\_\_\_رود (سفینه بولونیا، نشر دانش. سال بیست

و یکم: ۷۲ / Safeena Polonia,

Danesh Publishers,

(dated:21, p. 72

همچنین این رباعی که بنام عمادی ثبت شده است در ضمن رباعیات تبریزی دیده می شود:

زلفت کی به زیر سایه بدری دارد  
هر تاره از وی دل صدری دارد  
جز طرّه شب رنگ تو در عالم  
گر زانک شبی هست کی قدری دارد  
نیست  
(تبریزی، ۱۳۸۳ هـ: ۱۰۹ / Tabrizi,

(1383: p. 109

اشعار مختلف نیز از عماد شهریاری در جُنْگ خطی (گنج بخش) دیده است، که نمونه ای از آنها بذیل است: (جُنْگ گنج بخش، سده هفتم: شماره ۱۴۴۵۶ / Jun Ganj

(Bakhsh, no. 14456

بلبلان را گرم شد هنگامه در هنگام  
مرحبا آواز بلبل حبذا ایام گل  
گُل  
چار سوی هر چمن تخت زمرد فام گل  
مجمر مینا مُتَلّت سوز شد تا ساختند  
(جُنْگ گنج بخش، بیتا: ۱۱ / Jun

Ganj Bakhsh, Undated:

(p.11

لاله باده فام روی نمود  
باده لاله فام باید خواست  
دل گل گر نگاه باید داشت  
پیش گل جان جام باید خواست  
(همان، ۴۲ / Ibid, p. 42

گذشتی همه بگذشت و بودنی همه  
می آر و می ده و بیش از گذشته یاد  
بود

زمان زمان ز شکرخنده لب چو  
زهی فراخی شکر ز تنگی دهندش  
بگشاید  
ز بس که بوسه کند آرزو ز خویشتنش  
به آرزو نرسد بس کسی ز بوسه او  
(همان، ۸۰ / Ibid, p. 80

همچنین در این جُنْگ، گفتن که چهار بیت از قصیده ۱۸ دیوان موجود است، که يك بیت از آنها در این قصیده أصلا وجود ندارد، و این بیت این است:

گررد ز بوی نطف سیه بوی سنبل خوار  
ور بر چکد بنطف سیه قطره ای از او

(همان، ۴۱ / Ibid, p. 41

منبعی هست در قرن دوازدهم هجری نوشته شده در کتابخانه مجلس تحت شماره ۶۵۱ موجود است، گمان می رود که از يك جنگ کهن استتساخ شده است، و در آن اشعار نوشته شده که تعدادی از آنها در دیوان اشعار عمادی اصلاً وجود ندارد، از این اشعار چند بیت شعر زیر می آیم:

آدمی را امید راحت و بیم	کمترا از يك نفس بود هم نیست
غلطی گر گمان بری که تو را	زیر سوری هزار ماتم نیست
ای همه رازها تو را معلوم	رای تو حاکم و فلک محکوم
ز آرزوی ننگین فرخ تو	زهره و مه شدند حاسد موم
تا نبودند دوست و دشمن تو	نامد آوازه مبارک و شوم
از کمال کرم نمی خواهی	دشمنان را ز جود خود محروم
ز آرزویی که داشت سلطانی	هیچ باقی نماند جز مرسوم

(ضیاء، ۱۳۹۱ هـ: ۲۹۷ / Zia:

(1391, p. 297

بعضی از شاعران ابیاتی را در اشعار شان تضمین کرده اند و گفتن که آنها از اشعار عمادی می باشند، ولی در واقع آنها در دیوان عمادی موجود نیست:

قمری که به گاه فرق نشناخت	از پهلوی شیر سینۀ شار
از شعر به فرّ تو برآورد	از شعله نار دانۀ نار

(شیرازی، ۱۳۵۱ هـ: ۳۸۷ / Shirazi,

(1351, p. 387

تیر فلک ز بیم ستونه کند چو تیر	چون عزم کامکار تو زه بر کمان نهد
--------------------------------	----------------------------------

(همان، ۶۸۲ / Ibid, p. 682

تشویر می دهد خرد خرده بین مرا	نقش خرد به باد ز لوح دلم بشوی
-------------------------------	-------------------------------

(همان، ۹۷۵ / Ibid, p. 975

انوری در قطعه ای بیتی از عمادی تضمین کرده است، اما در دیوان عمادی موجود نیست:

به بیت عمادی جوابش بگفتم	چه گفتمش؟ گفتم که ای روشنایی
مرا از شکستن چنان باک ناید	که از ناکسان خواستن مومیائی

(انوری، ۱۳۷۶ هـ: ۷۶۰ / Anvari,

(1376: p. 760

شاعر دیگری بنام کمال الدین اصفهانی گفته بود که اشعاری از عمادی تضمین شعر خود ذکر کرده ولی در واقع تنها یک بیت است که از آنها تضمین کرده بود:

لايق به حسب حال تو بيتی شنیده ام      از گفته عمادی بس نغز و دلگشای  
تشریف طغرلی ست وگر نه بگفتمی      مصحف ز بند زر نشود مرتبت فزای

(اصفهانی، ۱۳۴۸ هـ: ۷۰/)

(Esfahani, 1348: p. 70)

### نتیجه گیری

حاصل این پژوهش، بیانگر اهمیت پژوهش همه جانبه در تصحیح متون است. امروزه با پیدا شدن منابع مختلف و نسخه‌های خطی قدیمی که در کتابخانه‌های معتبر حفظ شده است و نسخه‌های خطی، این امکان را برای پژوهشگران فراهم نموده است، سهل انگاری در امر پژوهش، منجر به ارائه کارهای ناتمام و درجه چندم می‌گردد که لازمه آن دوباره کاری است، با توجه به آنچه در این پژوهش بیان شد، مشخص گردید که اشعار در دیوان عمادی شهریار به عنوان شاعری برجسته و نیز به عنوان بخشی از گنجینه زیان و ادب فارسی ضروری می‌نماید زیرا دیوان عمادی در لابلاي اشعار شعرای دیگران پراکنده شد، و همچنان عدای از شاعران برجسته ایرانی اشعار و ابیات عمادی شهریار را در قصیده هایشان تضمین نموده‌اند، و بخشی از اشعار که هم به عمادی و هم به دیگران منسوب شده است، در این پژوهش اشاره نمودیم، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که:

۱. عمادی شهریار از برجسته ترین شعرای قرن ششم هجری و سبک او مانند سبک و شیوه شعرای معاصرش است که بر روانی و سادگی و به کار بردن الفاظ و عبارات غریب فارسی و عربی تأکید دارد و شیوه ایجاز بیان از مهمترین ویژه های اشعارش بود.
۲. بسیاری از شعرای فارسی اشعار وی را در قصیده ها و رباعیاتشان تضمین کرده اند که در دواوین آنها و به طور پراکنده به طور تک بیتی یا دو بیتی ابیاتی از عمادی به دست آمد.
۳. بسیاری از ابیات و اشعار عمادی شعریاری در اشعار دیگران پراکنده شده است با تغییر شکل واژه یا تقدیم و تاخیر مصراع به کار رفته است.
۴. اشعار از وی پیدا شد که در دیوانش موجود نیست و همچنین ابیاتی وجود دارد که متعلق به وی نیست ولی به او منسوب شده است.



## منابع و مراجع

- ۱- عبدالکریم بن ابوبکر. (۱۳۸۹ هـ). **مجمع الرباعیات** (اوراق عتیق مجموعه مطالعات متن پژوهی)، نسخه شناسی و فهرستنگاری به کوشش سیدمحمدحسین حکیم. چاپ اول، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی .
- ۲- اصفهانی، کمال الدین اسماعیل. (۱۳۴۸ هـ). **دیوان خلاق المعانی**، تصحیح حسین بحرالعلمی. تهران: کتابفروشی دهخدا.
- ۳- انوری، محمد بن محمد. (۱۳۷۶ هـ). **دیوان اشعار**. تصحیح محبتقی مدرس رضوی، ج ۲ . چاپ پنجم، تهران .
- ۴- بخاری، عمق. (۱۳۳۹). **دیوان با مقابله و تصحیح و مقدمه سعید نفیسی**. ج ۲. تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۵- تاج الدین احمد وزیر. (۱۳۸۱ هـ). **بیاض تاج الدین احمد وزیر**. تصحیح علی زمانی علویجه. ج ۲. قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- ۶- تبریزی، ابوالمجد محمد بن مسعود. (۱۳۸۳ هـ). **خلاصة الأشعار في الرباعیات**، گنجینه بهارستان (مجموعه یازده رساله در ادبیات فارسی/شعر)، به کوشش بهروز ایمانی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۷- بیلقانی، مجیرالدین. (۱۳۵۸ هـ). **دیوان**، تصحیح محمد آبادی، باویل، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- ۸- جُنگ گنج بخش، نسخه خطی شماره ۱۴۴۵۶ . سده هفتم.
- ۹- راوندی محمد بن سلیمان. (۱۳۶۴ هـ ش). **راحة الصدور**، انتشارات امیر کبیر، ج دوم. چ دوم. انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- سفینه بولونیا نشر دانش. (بی تا). سال بیست و یکم. شماره چهارم. ص ۱۷-۲۴.
- ۱۱- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷ هـ). **سیر رباعی**، چاپ سوم. تهران.
- ۱۲- شهریاری عمادی. **دیوان**، نسخه خطی. کتابخانه تهران.
- ۱۳- شیرازی فخر الدین حسن انجو. (۱۳۵۱ هـ). **فرهنگ جهانگیری**. ویراسته رحیم عفیفی. ج ۳. مشهد: دانشگاه مشهد.
- ۱۴- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۸ هـ). **تاریخ ادبیات در ایران** . جلد سوم. چاپ هشتم تهران: فردوس.
- ۱۵- ضیاء محمد رضا. (۱۳۹۱ هـ). **متون ایرانی** (دفتر سوم، با تکیه بر دیوان ها و اشعار فارسی، به کوشش جواد بَشری). چاپ اول، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- ۱۶- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی. (۱۳۶۲ هـ). *سندبادنامه*. تصحیح احمد آتش. چاپ اول، تهران.
- ۱۷- عوفی، محمد. (۱۳۸۹). *لباب الألباب*. به تصحیح ادوارد براون، با تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات سعید نفیسی. جلد دوم. چاپ اول، تهران.
- ۱۸- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۵۸ هـ) *سخن و سخنوران*. چاپ سوم. تهران.
- ۱۹- رازی، شمس قیس. (۱۳۸۷ هـ). *المعجم في معايير أشعار العجم*. تصحیح محمد قزوینی و محنتقی مدرس رضوی، چاپ اول. تهران.
- ۲۰- کاشی، تقی. (۱۳۸۱ هـ). *خلاصة الأشعار وزبدة الأفكار در شرح حال شعرا*، تحقیق حبیبی نژاد. بی‌جا.
- ۲۱- لغتنامه دهخدا - حرف ع.
- ۲۲- قوامی مطرزی گنجوی. (بهار ۱۳۸۲). *بدائع الأسفار في صنائع الأشعار*. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. - شماره ۱۶۵، ص ۲۷ الی ۳۴.
- ۲۳- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴ هـ). *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*. ج ۱. تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۲۴- نفیسی، سعید، (۱۳۶۹ هـ). *سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر*. چاپ سوم. تهران.
- ۲۵- هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۸۲ هـ) *مجمع الفصحاء*. تصحیح مظاهر مُصَفّا. تهران.

## Sources

1. Razi, Shams Qais. *Lexicon of criteria of Persian poetry*. Reviewed by: Muhammad Qazwini and Muhammad Taque Mudarris Radhawi, 1st edition.
2. Najawi, Qawami Mutarrazi. "Bade'e alashar fi sane'e alasha'ar".
3. Wazeer, Tajuldeen Ahmed. *Bayadh Tajuldeen Ahmed Wazeer*". Reviewed by: Ali Zamani Alawijah, v2.
4. Nafisi, Saeed. *The history of writing and prose in Iran and Persian language*. v1.
5. Safa, Thabeeh Allah. *The history of literature in Iran*. v3.
6. Bastunwis. "Jun Ganj Bakhsh", no. 14456, Ganj Bakhsh library, Pakistan.
7. Pashi, Taque. *Summary of poets, poetic ideas, and poetry*. Reviewed by: Habeebin Pad.
8. *The collection of Muhammad Bin Muhammad Al- Noori's poems*. Reviewed by: Muhammad Taque Mudarris Radhawi, v2.
9. Isfahani, Kamal Al- Deen Ismae'el. *The collection of Khallaq Al- Maani*. Reviewed by: Hussein Bahr Al- Oloom.
10. *The collection of Bukhari*. Reviewed by: Saeed Nafisi.

11. The collection of Mujeer Al- Deen Balqani, Reviewed by: Muhammad Abadi.
12. Rawandi, Muhammad Bin Sulaiman. "Rahat Al- Sudoor", Ameer Beer publishers, v2.
13. Safeena Polonia, nashr dansh sal besto yavom
14. Furuzadfar, Bade'e Al- Zaman. " Sakhn wa sakhnoran".
15. Shamsa, Siros. Quadrilateral biographies, v3.
16. Abu Al- Khair, Abu Saeed. " Sakhnan mandhoom", Reviewed by: Saeed Nafisi, v3.
17. Samarqandi, Dhahiri. " Sindibad ommat", Reviewed by: Ahmed Atsh, 1st edition.
18. Shirazi, Fakhruldeen and Afifi, Werstraheem. " Farhang Jahan perri". v3.
19. "Lugatnam Da Khuda- Harf Ain".
20. Awfi, Muhammad. " Bab Al- Albab", Reviewed by: Saeed Nafisi, v2, 1st edition.
21. Hidayat, Ridha Qulaikhan. " Majma'a Al- fusaha'a", Reviewed by: Mudhahir Musaffa.
22. The collection of Emadi Shahriari. Tehran library.
23. Abu Bakr, Abdulkareem. The collection of quadrilaterals, Reviewed by: Sayyid Muhammad Hussein Hakeem, 1st edition.
24. Dhiaa, Muhammad Ridha. " Mutoon Irani", 1st edition.

#### المقدمة

مما لا يخفى على الباحثين أنّ الأدب الفارسي في هذه الأيام بحاجة إلى جهد جهيد وسعي حثيث في البحث والتحقيق في النصوص والشعراء الأوائل، منهم الشاعر الكبير عمادي الشهريري أو الغزنوي. فرغم ما تعرض إليه تراثه من المؤلفات المنظومة والمخطوطات إلى الضياع ومع الأسف الشديد، فضلاً عن الأشعار التي نُسبت إلى غيره من الشعراء الآخرين، فقد قدم الباحثون والمحققون في هذا المجال من أعمال يشار إليها بالبنان في مجال البحث والدراسات الأدبية ومن جملتها البحوث التي قُدمت حول الشاعر المذكور أعلاه. فبعد جهد جهيد تمكنا من الحصول على نسخة مخطوطة عن بعض أشعاره، إضافة إلى بعض المصادر من هنا وهناك ومن تواريخ ودواوين الشعراء لنجمع شتات أشعاره التي نُسبت إليه لكتابة بحث من شأنه الدراسة والتحقيق في آثاره الشعرية.

والشاعر عمادي شهرياري هو من جملة كبار شعراء الفرس الذين تركوا آثارًا قيمة في مجال الأدب الفارسي ومع فقدان الكم الكبير مما جاد به قلمه من أشعار ونظم جميل إلا أنه وبسعي وجهد وتسديد من الباري عز وجل وعن طريق ما توصلنا إليه من مخطوطات ومصادر في الموسوعات والكتب نقدم هنا بحثًا قد يفيد بالغرض المطلوب في دراسة أسلوب الشاعر وإيراد نماذج من أشعاره المبعثرة بين أشعار الآخرين وإعطاء نتيجة بحثية كخلاصة لما توصلنا إليه في البحث راجيا استفادة أصحاب العلاقة من باحثي ودارسي الأدب الفارسي من هذا الجهد ومن الله التوفيق.

الكلمات الرئيسية: الأدب الفارسي، الشعراء الإيرانيين، الشهرياري، انعكاس الأشعار، التضمين

### **ABSTRACT**

**It is no secret to researchers that the Persian literature needs great efforts of research and verification in terms of early poetry and poets, including Imad Al-Shahrayari or Al-Ghaznawi.**

**In spite of the losses that early poetry and manuscripts experienced in the course of time, let alone poetic works that were not attributed to their original true writers, researchers, in general, managed to present distinguished works, including the works of the said poet.**

**With painstaking effort, we could get, besides other references, a manuscript of some of Al-Shahrayari's works. We could collect his poetry from various sources that helped us write a study on his poetic legacy.**

**Keywords: Persian Literature, Iranian Poets, Al-Shahrayari, Poetic Reflection, implication**